

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:

« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.



درسنامه

نقش و وجود باورها در زندگی انسان

هر یک از ما باورهایی درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم که گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف.

ما با همین باورها زندگی می کنیم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم. شاید دلایل برخی از این باورها را بدانیم و برای برخی هم دلیلی نداشته باشیم و صرفاً طبق عادت آنها را قبول کرده باشیم.

انسان های اهل تفکر فلسفی

برخی انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر درباره باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند. آنان می خواهند به ریشه باورهای خود برسند و چرایی قبول آنها را مرور کنند. اینان، در حقیقت، اهل تفکر فلسفی هستند و می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند.

شیوه اندیشیدن فیلسوفانه

اندیشیدن فیلسوفانه:

غور در باورهای مربوط به زندگی است.

آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها. پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست. در این صورت، خودمان بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.

نقش باورها در انتخاب معنای زندگی

این باورها که فلسفه ما را می سازند: نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف دارند. به عبارت دیگر این باورها هستند که به ما می گویند چه چیزی را هدف زندگی قرار دهیم و از چه چیزی گریزان باشیم. بنابراین می توان گفت فلسفه هر کس معنا دهنده به زندگی اوست

تقسیم مردم در رابطه با اندیشه فیلسوفانه و تفکر فلسفی مبتنی بر باورها

- ۱- برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.
- ۲- برخی آدم ها در این امور می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.
- ۳- برخی نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است.

فواید تفکر فلسفی

- ۱- دوری از مغالطه ها
 - ۲- استقلال در اندیشه
 - ۳ - رهایی از عادت های غیر منطقی
- استفاده فلسفه از توانایی منطقی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست
- فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد.

فیلسوفان و مغالطه ها

فیلسوفان می کوشند: با کاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند.

آنها همچنین می‌کوشند نمونه‌هایی از مغالطه‌های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، نشان دهند. استقلال در اندیشه فیلسوف واقعی

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه‌ی خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند

او درباره‌ی استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی‌ببرد، آنها را می‌پذیرد.

فرق فیلسوف با مردمان دیگر در زمینه استقلال در اندیشه

فرق فیلسوف با مردمان دیگر این است که :

اولاً فیلسوف درباره‌ی همین مسائل به نحو جدی فکر می‌کند.

ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه چگونه افکار و عقاید را می‌پذیرند؟

در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می‌پذیرند که پشتوانه‌ی عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت در آمده است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آنها را پذیرفته‌اند.

افراد متفکر و اندیشمند جامعه چگونه افکار و عقاید را می‌پذیرند؟

افراد متفکر و اندیشمند این جوامع، افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبوده، آنها را نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

کامل کردنی (نقطه چین ها):

۱- برخی انسان‌ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر درباره‌ی **باورهای** خود می‌پردازند و نسبت به پذیرش آن باورهای می‌اندیشند. آنان می‌خواهند به ریشه‌ی باورهای خود برسند و چرایی قبول آنها را مرور کنند. اینان، در حقیقت، اهل **تفکر فلسفی** هستند.

۲- : اندیشیدن **فیلسوفانه** غور در **باورهای** مربوط به زندگی است.

۳- این **باورها** که فلسفه‌ی ما را می‌سازند، نقش تعیین‌کننده در انتخاب **اهداف** دارند.

۴- **فلسفه** هر کس معنا دهنده به زندگی اوست.

۵- برخی انسان‌ها **نگرشی** نادرست درباره‌ی جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب **هدف** به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است.

۶- فلسفه از این توانایی **منطقی** (تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست.) کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی **درست** از تفکرات **غلط** تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات **درست** هموار گردد.

۷- فیلسوفان می کوشند با کاستن از **مغالطه ها**، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند.

۸- برخی افراد گاهی بدون اینکه دقت کنند، در زندگی خود، باوری را که **مبنای** آن یک **مغالطه** است، پذیرفته و براساس آن تصمیم می گیرند و عمل می کنند.

۹- **فیلسوف** واقعی هیچ سخنی را بدون **دلیل** نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه **خیالات**، **تبلیغات** و **تعصب** بنا نمی کند.

۱۰- فیلسوف درباره در مسائل بنیادین فلسفی تابع **برهان** و **استدلال** است؛ نه تابع **افراد** و **اشخاص**.

۱۱- **افلاطون** که از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ است تمثیلی دارد که به «**تمثیل غار**» مشهور است.

۱۲- **افلاطون** در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه **فلسفه**، انسان را به سمت **آزادی حقیقی** هدایت می کند.

۱۳- **تمثیل غار** در کتاب **جمهوری افلاطون** آمده است.

۱۴- اگر انسان **قدرت تفکر** خود را افزایش دهد و با استفاده از **قواعد تفکر**، در امور فلسفی بیندیشد، به فواید و ثمرات دیگری نیز دست می یابد.

صحیح و غلط:

۱- برخی انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر درباره باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورهای اندیشند= **صحیح**

۲- افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت اسارت هدایت می کند.= **غلط**

۳- اندیشیدن فیلسوفانه غور در باورهای مربوط به زندگی است.= **صحیح**

۴- سقراط که از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ است تمثیلی دارد که به «**تمثیل غار**» مشهور است.= **غلط**

۵- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه **خیالات**، **تبلیغات** و **تعصب** بنا نمی کند.= **صحیح**

۶- در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند،= **صحیح**

۷- فیلسوف درباره در مسائل بنیادین فلسفی تابع افراد و اشخاص است نه برهان و استدلال است.= **غلط**

کشف ارتباط:

کدامیک از گزینه های ستون «ب» به گزینه های ستون «الف» مربوط است؟

«الف»	«ب»
۱- اهل تفکر فلسفی هستند	جمهوری=۳
۲- معنا دهنده به زندگی	برهان و استدلال=۵
۳- تمثیل غار در این کتاب آمده است.	دلیل=۶
۴- تمثیل غار ز آثار اوست.	کسانی که دربارهٔ باورهای خود به تفکر می پردازند.=۱
۵- فیلسوف دربارهٔ در مسائل بنیادین فلسفی تابع آن است.	باورها=۷
۶- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون آن نمی پذیرد.	فلسفه=۲
۷- نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف	اقلاتون=۴

سوالات تشریحی:

۱- نقش و وجود باورها در زندگی انسان را شرح دهید.

هر یک از ما باورهایی دربارهٔ جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم که گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف. ما با همین باورها زندگی می کنیم و براساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم. شاید دلایل برخی از این باورها را بدانیم و برای برخی هم دلیلی نداشته باشیم و صرفاً طبق عادت آنها را قبول کرده باشیم.

۲- کدام یک از انسان ها اهل تفکر فلسفی هستند؟

برخی انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر دربارهٔ باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند. آنان می خواهند به ریشهٔ باورهای خود برسند و چرایی قبول آنها را مرور کنند. اینان، در حقیقت، اهل تفکر فلسفی هستند و می کوشند بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند.

۳- اندیشیدن فیلسوفانه چگونه صورت می گیرد؟

اندیشیدن فیلسوفانه غور در باورهای مربوط به زندگی است؛ آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها؛ پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست. در این صورت، خودمان بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم و شخصیتی مستقل کسب می کنیم.

۴- نقش باورها در انتخاب معنای زندگی را بنویسید.

این باورها که فلسفه ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف دارند. به عبارت دیگر: این باورها هستند که به ما می گویند چه چیزی را هدف زندگی قرار دهیم و از چه چیزی گریزان باشیم. بنابراین می توان گفت: فلسفه هر کس معنا دهنده به زندگی اوست.

۵- مردم در رابطه با اندیشه فیلسوفانه و تفکر فلسفی مبتنی بر باورها به چند دسته تقسیم می شوند ؟ آنها را بنویسید.

۱- برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند.

۲- برخی آدم ها در این امور می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.

۳- برخی نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است.

۶- فواید تفکر فلسفی را بنویسید.

۱- دوری از مغالطه ها ۲- استقلال در اندیشه ۳- رهایی از عادت های غیر منطقی

۷- فلسفه از این توانایی منطقی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. چه استفاده ای می برد؟

فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد.

۸- فیلسوفان در مواجهه با مغالطه ها، چگونه عمل می کنند؟

فیلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند. آنها همچنین می کوشند نمونه هایی از مغالطه های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، نشان دهند.

۹- استقلال در اندیشه فیلسوف واقعی چگونه است؟ آن را شرح دهید.

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد و عقیده اش را بر پایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی کند. او درباره استدلال ها می اندیشد و اگر به درستی شان پی ببرد، آنها را می پذیرد. عموم مردم در مسائل بنیادین فلسفی می اندیشند و نظر می دهند؛ درباره خدا، آزادی، اختیار، خوشبختی و رنج

۱۰- فرق فیلسوف با مردمان دیگر در زمینه استقلال در اندیشه را بنویسید.

فرق فیلسوف با مردمان دیگر این است که :

اولاً فیلسوف درباره همین مسائل به نحو جدی فکر می کند.

ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می شود و پاسخ می دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

۱۱- در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه چگونه افکار و عقاید را می پذیرند؟

در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت در آمده است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آنها را پذیرفته اند.

۱۲- افراد متفکر و اندیشمند جامعه چگونه افکار و عقاید را می پذیرند؟

افراد متفکر و اندیشمند این جوامع، این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود، آنها را نمی پذیرند و تلاش می کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

۱۳- تمثیل غار از آن کیست در کدام کتاب آمده است؟ و هدف او از این تمثیل چیست؟

افلاطون که از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ است تمثیلی دارد که به «تمثیل غار» مشهور است. افلاطون در تمثیل غار می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند. تمثیل غار در کتاب جمهوری افلاطون آمده است.

بررسی*

متن زیر را بخوانید و به سؤال های طرح شده پاسخ دهید: (ص ۱۹ و ۲۰) کتاب درسی

۱- چرا ماهیگیر از پیشنهاد تاجر استقبال نکرد؟

ماهیگیر نمی داند که چه آینده خوبی در انتظار اوست.

ماهیگیر در محدوده ده خود فکر می کند، اما نگاه تاجر جهانی است.

ماهیگیر به دنبال مادیات نیست و از جمع کردن ثروت خوشش نمی آید.

۲- این دو سبک متفاوت زندگی ریشه در چه دیدگاه هایی دارد؟

ماهیگیر اهل ریسک و فعالیت های پرخطر نیست، اما تاجر هست.

زندگی برای ماهیگیر خیلی ساده و ابتدایی است، اما تاجر نگاه پیشرفته ای به زندگی دارد.

ماهیگیر می داند که تاجر عمرش را برای چیزی تلف کرده است که او از ابتدا آن را در اختیار داشته است و نظرات دیگر.

۳- آیا همه می توانند بر اساس نگاه ماهیگیر یا تاجر زندگی کنند؟

زندگی، بر اساس پیشنهاد تاجر یک دور باطل و رسیدن به نقطه اول است.

برای تاجر، بُعد مادی زندگی و پیشرفت اقتصادی مهم است.

برای ماهیگیر، زندگی به معنای بودن در کنار دیگران و مهربانی با آنهاست.

تأمل*

می گویند وقتی فقر تالس را به رخ کشیدند، تمام پولی را که داشت به ودیعه نهاد و دستگاه های روغن زیتون گیری کرایه کرد. هنگام چیدن محصول که دستگاه ها مورد نیاز بود، آنها را به قیمتی که می خواست، به دیگران واگذار کرد. با این عمل نشان داد که اگر دارایی و ثروتی ندارد، ناتوانی او در کسب پول نیست. او به چیزهای دیگری دلبستگی دارد. آیا می توانید حدس بزنید که او درباره زندگی چگونه می اندیشیده و چه هدفی در زندگی داشته؟

افرادی که فقر تالس را به رخ او می کشیدند هدف مادی در زندگی داشتند؛ آنها به جمع آوری ثروت اهتمام می ورزیدند و افراد فاقد ثروت را تحقیر می کردند.

تالس برای اینکه به آنها نشان دهد که توان ثروتمند شدنش بیش از آنهاست به روش بیان شده در کتاب، ثروت هنگفتی به دست آورد و بدین طریق نشان داد که اگر بخواهد می تواند، اما چون هدفش با آنها متفاوت است به کارهای این چینی اقدام نمی کند و لذا دغدغه های دیگری دارد. تالس تلاش می کرد از ظاهر و کثرات عالم، به باطن و وحدت عالم برسد.

درس آموزی*

ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، سال های فراوانی شاگرد افلاطون بود. او استاد خود را بسیار دوست می داشت. اما در هر موضوعی، تا خودش قانع نمی شد، آن را نمی پذیرفت. به همین جهت در برخی مسائل با استاد خود اختلاف نظر پیدا کرد. برخی او را سرزنش می کردند که چرا نظر استاد خود را رد می کند. مشهور است که وی در جواب می گفت: «افلاطون برای من عزیز است، اما حقیقت عزیزتر است.»

از این حکایت کوتاه و جمله ارسطو چه درس هایی می توان گرفت؟

با وجود اختلافات نظری که افلاطون و ارسطو در برخی مسائل فلسفی داشتند اما حرمت شاگرد و استادی در روابط آنان حکمفرما بود. ارسطو به خاطر دوستی و اولویت طرف مقابل حقیقت را کتمان نمی کرد و ضمن تجلیل و احترام استاد، عقاید خود را ابراز می کرد. این خود نمونه ای از استقلال در اندیشه است.

بررسی

با توجه به تمثیل غار افلاطون،

۱- گذر از یک وضع عادی و رسیدن به حقیقت برتر در پرتو چه چیزی به دست می آید؟

سؤال اول به استفاده از تفکر و تعقل، به جای تقلید و دنباله روی از دیگران اشاره دارد. انسان های عادی درباره شکل زندگی خود و تصمیم گیری هایی که می کنند، نمی اندیشند و گرفتار زنجیر عادات خود و آداب و رسومی هستند که جامعه، صحیح یا غلط، بر آنها تحمیل کرده است. حوادث جهان و زندگی نیز آنان را به تأمل و تفکر نمی کشاند. اما برای انسان متفکر، هر برگی که از درخت می افتد و هر اتفاقی که پیرامون او رخ می دهد، موضوعی برای اندیشیدن است.

۲- رنج رسیدن به حقیقت شیرین تر است یا راحتی ماندن در نادانی؟

رنج رسیدن به حقیقت - طرح این برای تأثیرگذاری عاطفی و ایجاد انگیزه در مخاطب ضروری است و خوب است که با ذکر مثال ها و داستان هایی، انگیزه جست و جوی حقیقت را در دانش آموزان تقویت کنیم و نشان دهیم که رنج بزرگ آدمیان در طول تاریخ حیاتشان، رنج نادانی بوده است.

۳- چرا افلاطون ماندن در نادانی و عدم درک حقیقت را به زندانی دربند تشبیه کرده است؟

زیرا:

نادان، محصور در توهمات خود است.

محدوده دید او بسیار کوچک است.

آرزوها و اهدافش کوچک و حقیر است.

ابزار دست اطرافیان خود می شود و ...

همه این موارد، در انسان خردمند و کسی که درهای حقیقت به رویش گشوده شده، برعکس است.

۴- بزرگ ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود، چیست؟

بزرگ ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود عادت های ناپسند است که همانند زنجیر دست و پای او را می بندد.

۵- چرا زندانیان در غار سخنان جوانی را که برای رهایی آنها برگشته بود، نمی پذیرفتند؟

مشکل بزرگ انسان های متفکر، نامأنوس بودن سخنان آنها برای آدم های معمولی است. انسان های عادی، به وضع موجود خود عادت کرده اند و هرکس بخواهد این عادت را به هم بریزد برای آنان سخت و دردآور است. آدم های معمولی چون اهل تفکر نیستند همین وضع موجود را می پسندند و از تغییر و تحول بیزارند.

به کار بندیم *

۱- کسانی می گویند:

«زندگی برخی فیلسوفان نشان می دهد که آنها سرگرم بحث های انتزاعی خود بوده اند و کاری به زندگی واقعی مردم نداشته اند. پس چرا ما از آنها دنباله روی کنیم.»

آیا جمله بالا از نظر شما درست است یا غلط؟

اگر درست است، دلیل خود را توضیح دهید.

اگر غلط است، جهت مغالطه را مشخص کنید و آن را توضیح دهید.

در سؤال یک، یکی از دیدگاه های رایج غلط نسبت به فلسفه مطرح شده تا ذهن دانش آموزان درباره آن روشن شود. این دیدگاه مبتنی بر یک مغالطه است و آن، سرایت دادن یک حکم جزئی به کل است. از اینکه برخی فیلسوفان کاری به زندگی اجتماعی اطراف خود نداشته اند، نمی توان نتیجه گرفت که: اولاً همه فیلسوفان این گونه بوده اند و ثانیاً این گوشه گیری مربوط به فلسفه آنها بوده است. لذا براساس منطق پایه دهم، در اینجا مغالطه تعمیم ناروا رخ داده است.

۲- کدام یک از ابیات زیر، تأمل برانگیزتر است و توجه شما را بیشتر جلب می کند؟

۱- من به خود نامدم اینجا که به خود باز روم آنکه آورد مرا باز برد تا وطنم

نکات قابل توجه در این بیت:

۱- محدود بودن قدرت اختیار انسان

۲- فوق طبیعی بودن حقیقت وجود انسان

۳- بازگشت انسان به آن جایگاه حقیقی (وطن)

۲- این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

نکات قابل توجه در این بیت:

۱- تفکر در آفاق و انفس

۲- شگفتی های جهان هستی

۳- مشابَهت انسان غیر متفکر با جمادات

۴- عالم ظهور جلوه یار است و جاهلان در جست و جوی یار به عالم دویده اند .

نکات قابل توجه در این بیت:

۱- نشانه بودن جهان برای خداوند

۲- جلوه خدا و ظهور خدا بودن هستی

۳- بیراهه رفتن گروهی و نرسیدن آنها به حقیقت

۴- از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می روم آخر؟ ننمایی وطنم؟

نکات قابل توجه در این بیت:

۱- طرح سه سؤال اساسی: از کجا؟ به سوی کجا؟ هدف خلقت؟

۲- وطن حقیقی انسان در جهانی برتر

۳-۱ از میان اشعاری که در کتاب های درسی خوانده اید یا در کتاب های دیگر دیده اید، چند مورد را که برای شما تفکر برانگیز بوده است انتخاب کنید و بگویید که چرا توجه شما را بیشتر جلب کرده است.

اختیار و وظیفه دانش آموز است.

۴- عبارت های زیر را بخوانید و بگویید کدام عبارت از نظر شما زیباتر است؟

۱- تولد و مرگ ما در اختیار ما نیست؛ اما فاصله بین آن دو را ما تکمیل می کنیم.

برخی نکات کلیدی این جمله:

۱- اختیار انسان مطلق نیست و در محدوده خاصی است.

۲- تصمیم گیری ما پرکننده حیات ما از تولد تا مرگ است.

البته، مرگ تا حدودی در اختیار ماست. رفتار ما برای سلامتی جسم و روح در افزایش عمر مؤثر است.

اما بالاخره حوادث فراوانی در مسیر زندگی هست که می توانند سبب مرگ ناگهانی شوند.

۲- هیچ کس نمی تواند به عقب برگردد و از نو شروع کند، اما همه می توانند از همین حالا شروع کنند.

برخی نکات کلیدی این جمله:

۱- گذشته انسان تکرارپذیر نیست. عبور از کودکی و رسیدن به نوجوانی اجباری است و وقتی که

نوجوانی آمد، کودکی تکرار نمی شود. زمان در گذر است.

۲- انسان اختیار گذشته را ندارد اختیار برای تصمیم های جدید است.

۳- همواره توانایی تغییر وجود دارد.

۳- پرواز را بیاموز، نه برای اینکه از زمین جدا باشی، برای آنکه به اندازه فاصله زمین تا آسمان گسترده شوی.

برخی نکات کلیدی این جمله:

۱- جدا شدن از جایی و آمدن به جای دیگر به معنای از دست دادن جای اولی است.

۲- کمال آن است که در عین حفظ امکانات قبلی، امکانات جدید هم کسب شود.

۳- آدمی باید همه مراتب وجود را با هم داشته باشد.

۴- در مقابل مشکلات خم به ابرو نیاور! کارگردان، همیشه سخت ترین نقش را به بهترین بازیگر می دهد.

برخی نکات کلیدی این جمله:

۱- جهان مدیری حکیم دارد که هیچ حقی را ضایع نمی کند.

۲- زندگی با مشکل و سختی همراه است و رشد و کمال با رفتن در دل سختی ها به دست می آید.

۳- مشکلات بزرگ برای کسانی است که همّت بزرگ دارند.